

An Assessment of the Classical Utilitarian Approach to Moral Responsibility towards Others

Mohammad Amin Khansari

PhD student, Religious Studies, University of Religions and Denominations; Research in Department of Theoretical Ethics, Research Institute of the Quran and Hadiths, Qom, Iran (corresponding author)

khansari.m@riqh.ac.ir.

Mohsen Javadi

Professor, University of Qom, Iran

javadi_m@qom.ac.ir.

Hadi Sadeqi

Professor, University of the Quran and Hadiths, Qom, Iran

sadeqi@qhu.ac.ir.

Utilitarianism is a normative ethical theory that mainly focuses on public good. In this research, we deploy the method of philosophical analysis with an emphasis on the views of Bentham and Mill to provide an account of the utilitarian approach to moral responsibility. With the rejection of entitlement in moral responsibility, utilitarianism takes the origin of responsibility to lie in pleasures and pains. In its evaluations, it focuses on consequences of actions and takes the scope of responsibility to be general. We believe that responsibility is unclear in utilitarian terms, for example as to the instrumental deployment of moral values, inattentiveness to the agent's motivation, inattentiveness to prior commitments because of the Utilitarian Principle which is a posterior principle, relativism, the predicament of naturalism, and inattentiveness to permanent afterlife pleasures, which are ignored in non-religious theories.

Keywords

Utilitarianism, moral responsibility, pleasure, benevolence, Jeremy Bentham, John Stuart Mill.



ارزیابی رویکرد فایده‌گرایی کلاسیک به مسئولیت اخلاقی در قبال دیگری

* محمدامین خوانساری

** محسن جوادی

*** هادی صادقی

چکیده

فایده‌گرایی از جمله نظریه‌های اخلاق هنجاری است که به خیرخواهی همگانی توجه دارد. در این پژوهش تلاش می‌شود با روش تحلیل فلسفی و با تأکید بر دیدگاه بنتام و میل، رویکرد فایده‌گرایی به مسئولیت اخلاقی تبیین گردد. فایده‌گرایان با نفی استحقاق و سزاواری در مسئولیت اخلاقی، خاستگاه مسئولیت را لذت و الم می‌دانند و در ارزیابی‌ها به نتایج عمل نظر دارند و گستره مسئولیت را همگانی می‌دانند. نتیجه اینکه مسئولیت نزد فایده‌گرایان با ابهام‌هایی همراه است؛ ابهام‌هایی مانند استفاده ابزاری از ارزش‌های اخلاقی، بی‌توجهی به انگیزه عامل، بی‌توجهی به تعهدات پیشین به سبب اصل فایده که اصلی پسین است، نسبی‌گرایی، طبیعت‌گرایی و همچنین بی‌توجهی به لذت‌های پایدار اخروی.

کلیدواژه‌ها

فایده‌گرایی، مسئولیت اخلاقی، لذت، سودرسانی، خیرخواهی، جرمی بنتام، جان استوارت میل.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۸

* دانشجوی دکتری دین پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب، پژوهشگر گروه اخلاق نظری پژوهشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران (نویسنده مسئول).

khansari.m@riqh.ac.ir

javadi_m@qom.ac.ir

sadeqi@qhu.ac.ir

** استاد دانشگاه قم، ایران.

*** استاد دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.



بیشتر جنایت‌ها، نزاع‌ها و تجاوزگری‌های انسان در تاریخ حیات بشری، در پی مسئولیتی بشر نسبت به دیگرانسان‌ها ریشه دارد. مسئولیت‌ناپذیری انسان‌ها، تصویری خوفناک از جهان ارائه می‌دهد که در آن مفاهیم بنیادینی همچون حقوق بشر، مناسبات اجتماعی و مسائل زیست‌محیطی بی‌معنا می‌شوند. مسئولیت اخلاقی (Moral responsibility) از جمله مفاهیم اساسی و پر دامنه در حوزه اخلاق است که بسیاری از تعهدها، الزام‌ها، تکلیف‌ها، مجازات‌ها، تحسین‌ها و تقبیح‌ها بر پایه آن صورت می‌گیرد و بسیاری از مناسبات اجتماعی و اخلاقی انسان‌ها بر اساس آن ارزیابی می‌شوند و این مفهوم اساسی پشتوانه نظری بسیاری از مسائل دشوار اخلاقی است.

هر چند مسئولیت اخلاقی درباره کنش‌های متفاوت انسان به خود، خداوند، طبیعت و انسان‌های دیگر به کار برده می‌شود، کاربرد آن درباره دیگران اهمیت دوچندان دارد؛ زیرا اثبات و ضرورت مسئولیت اخلاقی نسبت به خود (به سبب وجود امیال خودگروانه و لذت‌گروانه و حب ذات) یا خداوند (بنابر تکالیف شرعی، اوامر الهی و تبیین‌های دینی) چندان دشوار نیست. آنچه دشوار می‌نماید چرایی مسئولیت و تعهد اخلاقی نسبت به انسان‌های دیگر است.

اصطلاح مسئولیت در حوزه اخلاق، پیشینه و زمینه تاریخی دارد، ولی کاربرد آن نزد فیلسوفان اخلاق با عنوان اصطلاحی «مسئولیت اخلاقی» نوپدید است. به لحاظ مفهوم‌شناسی، مسئولیت معادل واژه (responsibility) است و معانی مختلفی برای آن بر شمرده‌اند. مسئولیت به معنای وظیفه، سرزنش یا قضاوت و داوری آمده است. همچنین مسئولیت به معنای کیفیت یا موقعیت مسئول بودن مانند پاسخگویی است. نیز مسئولیت به موقعیت‌های مختلفی اشاره دارد؛ مانند موقعیتی که وظیفه‌ای را در قبال چیزی یا کسی داشته باشد، یا موقعیتی که فرد و مسئول مقصر شناخته می‌شود یا سرزنش می‌گردد و این امر تعهدی اخلاقی بر او در پی می‌آورد. همچنین مسئولیت اخلاقی به فرصت یا توانایی برای عمل کردن یا تصمیمی یا ضرورتی اشاره دارد تا به عنوان بخشی از نقش یا تعهد انجام گردد (see: responsibility, in: <https://dictionary.cambridge.org>).



به لحاظ اخلاقی، مسئولیت اخلاقی یکی از انواع محمول‌های اخلاقی است که به عامل اخلاقی نسبت داده می‌شود و باید شرایط هنجاری بودن را داشته باشد. این حکم هم باید معنایی اخلاقی دارا باشد و هم اینکه شرایط و قابلیت اسناد به عامل را به عنوان یک عمل اخلاقی داشته باشد؛ بنابراین مسئولیت در حوزه اخلاق باید معنایی اخلاقی داشته باشد و صرف بیان رابطه سببی یا علی نباشد. فرانکنا سه نوع کاربرد برای بیان مسئولیت اخلاقی به عنوان یکی از احکام اخلاقی بیان می‌کند:

یک. گاهی در معرفی «الف» می‌گوییم که او مسئول یا شخص مسئولی است، با این قصد که شخصیت او را از لحاظ اخلاقی مطلوب نشان دهیم (شخصیت او را از لحاظ اخلاقی مطلوب نشان دهیم در قبال فضیلتی که باید پیروراند).

دو. در جایی «ب» عمل یا جنایتی در گذشته باشد، می‌گوییم «الف» مسئول آن بوده و هست (وی مسئول عمل یا جنایتی است که در گذشته انجام شده و او سزاوار سرزنش و جزاست).

سه. در جایی که «ب» چیزی است که هنوز انجام نشده و باید انجام شود، می‌گوییم «الف» مسئول «ب» است؛ بدین معنا که مسئولیت انجام دادن آن را بر عهده دارد (چیزی که هنوز انجام نشده و فرد مسئولیت انجام دادن آن را بر عهده دارد؛ یعنی وظایفی دارد که باید انجام دهد (فرانکنا، ۱۳۸۹: ص ۱۵۶-۱۵۹).

در هر کدام از این سه مورد مسئولیت اخلاقی می‌تواند شکل یک حکم هنجاری برای عامل اخلاقی قرار بگیرد. عامل اخلاقی یا همان فردی که مسئولیت و تعهد دارد و عملش سزاوار مدح و ذم است، باید دارای شرایط مسئولیت اخلاقی باشد.^۱

مسئله مسئولیت در قبال خود یا دیگری، از جمله مسائل اساسی است که بیشتر نظریه‌های اخلاقی به آن توجه داشته‌اند. خودگرایی، دیگرگرایی و همه‌گرایی یا فایده‌گرایی از جمله این نظریه‌ها هستند که بحث می‌کنند که انسان باید در موقعیت‌های

۱. منظور از شرایط مسئولیت اخلاقی، شرایطی است که اگر فاعل یا عامل اخلاقی به لحاظ آن شرایط عمل کند، مسئولیت دارد و چنانچه این شرایط را نداشته باشد، مسئول شمرده نمی‌شود؛ از جمله این شرطها می‌توان به شرط اختیار، آگاهی و توانایی اشاره کرد (نک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ص ۱۵۸-۱۷۴).





اخلاقی به خود یا دیگری یا همگان توجه کند و فعل یا مسئولیتی اخلاقی و (ارزشمند) است که خیر شخصی یا خیر دیگران فارغ از خیر شخصی یا خیر همگانی را در پی داشته باشد.

فایده‌گرایی اخلاقی (utilitarianism) از جمله نظریه‌های اصلی اخلاقی است که در مقابل اندیشه‌های خودگرایانه هابزی شکل گرفت و در پی ایجاد تعادل میان ارزش‌ها و الزام‌های اخلاقی ناظر به خود، دیگران بود، و بر همین اساس بر بیشینه‌سازی خیر همگانی تأکید دارد. پیشینه این نظریه را باید در آرای برخی فیلسوفان مانند شافتسبری (Shaftesbury)، هاچسن (Hutchison)، باتلر (Butler) و هیوم (Hume) بررسی کرد. فیلسوفانی که در تفسیر سرشت انسان، بر نیک‌خواهی تأکید داشتند و انسان را دارای «حسی اخلاقی»، مستقل از مشیت خدا و قوانین کشور می‌دانستند که ارزش‌های اخلاقی را درک می‌کند. این تفسیرهای نیک‌خواهانه از سرشت انسان، سرآغازی بر فایده‌گرایی در فلسفه اخلاق بود که بر همه‌گرایی تأکید داشته و ملاک اصلی را «بیشترین خیر برای بیشترین افراد» می‌دانستند.

جرمی بنتام (Jeremy Bentham) در سده نوزدهم، فایده‌گرایی را شکلی سازمان‌یافته بخشید و این امر با اصلاحات جان استوارت میل (John Stuart Mill) در کتاب فایده‌گرایی (utilitarianism) تکمیل شد. دیدگاه این دو فیلسوف به تعدیل رویکرد فیلسوفان خودگرا به‌ویژه در مسائلی مانند دیگرخواهی، نیکوکاری و مسئولیت اخلاقی در قبال دیگران انجامید؛ زیرا آنها هرچند بر لذت و الم تأکید داشتند، بر لذت و الم همگانی تکیه داشتند. از نظر آنها سعادت و خوشبختی همگانی معیار مهمی است که انسان باید همچون ناظری بی‌طرف و نیکوکار در پی بیشترین خیر برای بیشترین افراد باشد.

فایده‌گرایی با این عقیده آغاز می‌شود که ارزش‌هایی هستند که بر اخلاق مقدم‌اند، حتی اگر هیچ درستی و نادرستی اخلاقی نباشد؛ یعنی همواره بعضی چیزها خوب و بد هستند. درستی و نادرستی اعمال به واسطه ارزش غیر اخلاقی نتایج آنها مشخص می‌گردد. این نظریه‌ها برخلاف وظیفه‌گرایی که بر عمل تأکید دارند و برخلاف فضیلت‌گرایی که بر شخصیت عامل اخلاقی تکیه دارند، بر ماهیت و نتایج خود عمل تمرکز دارند. نتیجه هر عمل، تعیین‌کننده درستی و اعتبار هر حکم اخلاقی است (نک:

موحدی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۶-۱۶۵). فایده‌گرایان کلاسیک مانند بنتام و میل، بیشتر لذت‌گرا بوده‌اند؛ یعنی خوب را معادل سعادت و سعادت را معادل لذت می‌گیرند. اعمال به همان میزان که زمینه‌ساز ایجاد لذت و خوشبختی باشند، «خوب و درست» هستند و به همان میزان که آماده‌ی ایجاد الم و بدبختی باشند، «بد و نادرست» هستند. فایده‌گرایی کلاسیک را در سه گزاره می‌توان خلاصه کرد:

اول. تنها باید براساس نتایج کارها باید درباره‌ی درستی و نادرستی آنها حکم کرد.
دوم. در مقام ارزیابی نتایج، تنها نکته‌ی مهم مقدار سعادت یا ناکامی پدیدآمده است.
سوم. سعادت همه انسان‌ها از اهمیت یکسان برخوردار است؛ یعنی صرفاً سعادت فاعل مهم نیست، بلکه باید میان سعادت خود و دیگران همچون ناظری غیرذی‌نفع و نیکوکاری بی‌طرف بود (ریچلز، ۱۳۹۲: ص ۱۷۳-۱۷۴).

در فلسفه اخلاق درباره‌ی مسئولیت اخلاقی مباحث پر دامنه‌ای انجام گرفته و از منظرهای گوناگون تحلیلی، هنجاری و غیره به آن پرداخته شده است. رویکرد پژوهش حاضر، هنجاری است و فارغ از پرسش‌های منطقی و تحلیلی، در پی تبیین رویکرد فایده‌گرایی کلاسیک در مسئولیت اخلاقی نسبت به دیگران است. این پژوهش، افزون بر تبیین ماهیت مسئولیت اخلاقی، آن را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موضوع‌ها در بستر روابط انسان‌ها با یکدیگر بررسی می‌کند. پرسش اصلی آن است که تبیین فایده‌گرایی کلاسیک از مسئولیت اخلاقی نسبت به دیگران چیست؟ در این نظریه اخلاقی، چرا انسان‌ها را مسئول می‌دانیم و در قبال اعمالشان پاسخگو دانسته و تحسین و تقبیح می‌کنیم؟ قلمرو مسئولیت اخلاقی چیست و انسان نسبت به دیگران چرا و تاچه حدودی مسئولیت دارد؟ از همین رو این پژوهش را از دو منظر پی خواهیم گرفت: نخست به تبیین رویکرد فایده‌گرایان کلاسیک در بحث مسئولیت اخلاقی خواهیم پرداخت و رویکرد طبیعت‌گرایانه و لذت‌گرایانه آنها در حوزه اخلاق و مسئولیت اخلاقی را روشن خواهیم کرد. سپس قلمرو مسئولیت اخلاقی در محدوده‌ی میان خود و دیگران را تبیین به منشأ مسئولیت اخلاقی نزد فایده‌گرایان خواهیم پرداخت. آن‌گاه در منظر دوم رویکرد این نظریه به مسئله مسئولیت اخلاقی نسبت به دیگران را از منظر نقدهای عقلی و گزاره‌های نقلی و قرآنی بررسی خواهیم کرد.



۱. فایده‌گرایی کلاسیک و مسئله مسئولیت اخلاقی در قبال دیگری

۱-۱. رویکرد فایده‌گرایانه به مسئولیت اخلاقی

بنابر رویکرد فایده‌گرایان، استحقاق یا سزاواری معیار مناسبی برای مسئول قلمداد کردن فرد یا افرادی نیست؛ بلکه براساس پیامدهای عمل و مسئولیت، مسئولیت سنجیده می‌شود. ستایش و نکوهش یا تحسین و تقبیح از جمله لوازم و شاخصه‌های مسئولیت اخلاقی هستند که ابزاری برای مسئول قلمداد کردن عامل است. در فایده‌گرایی، درستی و نادرستی عمل یا مسئولیتی منوط به استحقاق یا سزاواری عامل نیست؛ بلکه از راه میزان افزایش لذت و رفاه همگانی سنجیده می‌شود. آنها برای مسئول دانستن فرد یا افراد به میزان تأثیر مسئولیت در افزایش لذت و خوشی همگانی توجه دارند و تقبیح و تحسین، تنها ابزار و توجیهی برای غایت‌های مورد نظر فایده‌گرایان است.

ستایش یا نکوهش مناسب است، اگر و تنها اگر، واکنشی از این نوع به احتمال تغییر مطلوبی در عامل و یا رفتار او بینجامد... کسانی که تصور نتیجه‌گرایانه از مسئولیت اخلاقی را پذیرفته‌اند، مدعی بوده‌اند که موجب‌گرایی هیچ تهدیدی برای مسئولیت اخلاقی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا حتی در جهانی موجب نیز ستایش یا نکوهش می‌تواند همچنان ابزار کارآمدی برای تأثیر نهادن بر رفتار دیگران باشد (اسمایلی و اشلمن، ۱۳۹۴: ص ۹۴-۹۸).

بر این اساس، فایده‌گرا می‌تواند فرد یا افرادی را که به مسئولیتشان هم عمل کرده‌اند تقبیح کند، به شرط آنکه این عمل به افزایش کلی خوشبختی دیگران کمک کند؛ بنابراین افراد بی‌تقصیر را می‌توان سرزنش و بازخواست کرد. درستی تحسین و تقبیح، منوط به استحقاق نیست و بدون استحقاق می‌توان آنها را توجیه کرد. اموری مانند اختیار، آزادی و انگیزه انجام وظیفه، از جمله مؤلفه‌هایی هستند که پیش شرط ضروری برای پذیرش استحقاق مدح و ذم عامل است؛ اما بنابر دیدگاه فایده‌گرایان که خود را به استحقاق مدح و ذم متعهد نمی‌دانند، این شرایط نیز سالبه به انتفای موضوع است (برهانی، ۱۳۹۵: ص ۲۵۵-۲۵۸).



جبرگرایانی که معتقدند موجبیت با مسئولیت اخلاقی سازگار است، در ادله خود برای اثبات این مطلب، بیشتر نظریه غایت‌گرایانه از نوع فایده‌گرایانه را مفروض داشته‌اند. آنها استدلال می‌کنند که اگر چنین اعمال و مسئولیت‌هایی موجب پیدایش بیشترین غلبه خوبی بر بدی شود، درست است که مردم را مسئول بدانیم؛ به عبارت دیگر اعمالی مانند مسئول دانستن، سرزنش و مجازات کردن مانند هر عمل دیگری با نتایجشان توجیه می‌شوند و نه با هیچ چیزی در گذشته. اینکه عامل آزاد به معنای غیرعلی بوده، اهمیتی ندارد. آنچه که اهمیت دارد این است که ستایش یا سرزنش کردن او نتایج خاصی را به همراه داشته باشد (فرانکنا، ۱۳۸۹: ص ۱۶۲).

در رویکرد فایده‌گرایانه، مسئولیت گذشته‌نگر نادیده گرفته می‌شود؛ زیرا سزاواری و تعهد اهمیتی ندارد. فرد نسبت به آنچه گذشته است، مسئولیت و تعهدی ندارد؛ بلکه مسئولیت نسبت به محاسبه خوشی و ناخوشی همگانی در آینده دارد. توجیه اخلاقی مسئول قلمداد کردن عامل اخلاقی و لوازم آن مانند مجازات، سرزنش، تحسین و غیره تنها برای این است که در آینده کاهش رنج و افزایش رفاه همه افراد حاصل گردد؛ حتی اگر در این مسیر، عامل مجبور بوده و اراده‌ای نداشته است. آنچه اهمیت دارد، تأثیر آنها بر آینده است.

براساس فایده‌گرایی عمل‌نگر، انسان «مسئولیت منفی» دارد که به موجب آن، نه تنها برای کارهایی که انجام می‌دهد، مسئول است، برای کارهایی که نمی‌کند و نیز پیامدهای آن مسئول است؛ برای مثال در موقعیتی که ترمز ماشین بریده شده است، باید انتخاب کرد که «به مسیر مستقیم رفت و پنج کارگر را کشت» یا اینکه «فرمان ماشین را به سمت دیگری چرخانید و یک کارگر را کشت». در اینجا به هر حال شما باعث مرگ کسی می‌شوید. براساس مسئولیت منفی که فایده‌گرایان بر آن تأکید دارند، شما مسئول هستید که میزان شر را کاهش دهید و به طور فعال باید فرمان ماشین را بچرخانید و یک نفر را بکشید و جان پنج نفر را نجات دهید؛ زیرا متعلق مسئولیت انسان، غلبه خیر بر شر برای بیشترین افراد است و کشتن پنج نفر و نجات یک نفر سزاوار ذم و مجازات است؛ زیرا بیشتر فدای کمتر شده است (نک: پویمن و فیسر، ۱۳۹۲: ص ۱۷۰-۱۷۳).





۲-۱. خاستگاه طبیعت‌محورانه و لذت‌گرایانه مسئولیت اخلاقی

فایده‌گرایی کلاسیک با تفسیر لذت‌گرایانه از طبیعت انسان و با تأکید بر نقش لذت و الم، و مبتنی کردن اصل فایده بر آن در مسئولیت اخلاقی هم به دنبال بیشترین خوشی برای بیشترین افراد است. متعلق مسئولیت، خیرهمگانی است و معیار آن افزایش لذت و کاهش درد و رنج بیشترین افراد است.

نزد فایده‌گرایان کلاسیک، برای فهم خاستگاه اعمال و مسئولیت اخلاقی انسان باید مبنای روان‌شناختی و طبیعی انسان را شناخت. از منظر آنها، اینکه چرا انسان مسئولیت‌پذیر است و نسبت به دیگران مسئولیت اخلاقی دارد، باید طبیعت انسانی و نقش لذت و الم را تحلیل کرد. فایده‌گرایی کلاسیک در تحلیل مفاهیمی مانند لذت، ماهیت انسان و فایده اجتماعی تحت تأثیر فیلسوفان پیشین مانند اپیکور، هابز و هیوم به اصالت تجربه قائل است؛ یعنی معارف انسانی بر مبنای الگوی علوم طبیعی و ریاضی شکل می‌گیرند (زاگال و گالیندو، ۱۳۸۶: ص ۱۵۸). بر اساس همین الگو، بنیاد طبیعت انسان را بر اساس لذت و الم تبیین می‌کند و در محاسبه آنها از سنجش کمی بهره می‌گیرد.

بنیاد بر این مبنای روان‌شناختی تأکید دارد که طبیعت انسان در نهایت با دو نیروی لذت و الم مشخص می‌شود. علت همه اعمال آدمی به سبب میل به کسب لذت و دوری از الم است. هرکسی که می‌خواهد بر رفتار دیگران نظارت داشته باشد، باید بداند که انگیزه غایی هر رفتاری لذت و الم است و چون این دو انگیزه اصیل هستند، هر نظری درباره معیار درست و نادرست را هم باید بر اساس این مبنا تحلیل کرد. فایده‌گرایان معتقدند آنچه ارزش ذاتی دارد و فی‌نفسه خوب یا بد است، تنها در لذت و الم مصداق دارد و همه رفتارها و مسئولیت‌های انسان تحت تأثیر لذت و الم است. اصل فایده یا بیشینه‌سازی سود هم بر طبیعت آدمی مبتنی است و ملاکی برای افراد، اعمال و حکومت‌ها است. بر اساس این اصل، هنگامی رفتار یا مسئولیتی درست و سزاوار ستایش است که به افزایش لذت و کاهش الم بینجامد (کاپالیدی، ۱۳۸۳: ص ۲۵-۳۰). از این منظر، اعمال و رفتارهای مسئولانه معطوف به عمل هستند؛ یعنی به لحاظ انگیزشی، انسان میل به لذت و پرهیز از الم دارد و از آنجایی که این طبیعت انسانی است، رفتارها و مسئولیت‌های انسان به میزانی که به لذت و الم منجر می‌گردد، ارزیابی می‌شوند.

فایده‌گرایان اموری مانند صداقت، محبت و عفو را که از جمله ویژگی‌های زندگی اخلاقی و مسئولیت‌های اخلاقی ناظر به دیگران هستند، به این دلیل که ارزش ذاتی دارند یا فی‌نفسه لذت‌بخش هستند، ارزشمند نمی‌دانند؛ بلکه بدین دلیل ارزشمند هستند که ارزش ابزاری دارند؛ یعنی اوصافی هستند که به افزایش لذت می‌انجامند و اگر چنین نشوند، ارزش اخلاقی ندارند. تنها در صورتی عملی صواب یا مسئولیتی اخلاقی است که از لحاظ ابزاری خوب باشد و خوبی آن بستگی به لذت ایجاد شده دارد. ارزش اخلاقی یک مسئولیت در مقایسه با مسئولیت دیگر، به‌طور مستقیم متناسب با لذت است (پالمر، ۱۳۸۸: ص ۱۳۰).

مدعای اصلی فایده‌گرا آن است که فقط خوشحالی به‌عنوان غایت، مطلوب است و تمامی چیزهای دیگر تنها از این حیث خواستنی هستند که وسیله نیل به این مقصودند. مردم نه تنها خواهان خوشی و شادی هستند، بلکه هرگز چیزی جز آن را نمی‌خواهند (میل، ۱۳۸۸: ص ۱۱۰-۱۰۹). مسئولیت‌ها و اعمال به تناسبی که به افزایش خوشبختی گرایش دارند، «درست» و به تناسبی که به افزایش رنج و محرومیت از لذت گرایش دارند، «نادرست» هستند. در این رویکرد، لذت و رهایی از رنج، تنها چیزهایی هستند که به‌عنوان غایت مطلوبیت دارند و تمام چیزهای مطلوب یا از این جنبه که لذتی در آنها وجود دارد و یا از این جهت که وسیله‌ای جهت افزایش لذت و کاهش درد هستند، مطلوبیت دارند (همان: ص ۵۷).

بنابراین خاستگاه مسئولیت اخلاقی بر اساس طبیعت انسان سنجیده می‌شود که مطلوب نخستین انسان، افزایش لذت و کاهش درد است. انسان اگر مسئولیت اخلاقی درقبال دیگران را می‌پذیرد، بدین سبب است که آن را ابزاری جهت دستیابی به افزایش لذت و کاهش رنج می‌داند. در تحلیل فایده‌گرایان کلاسیک همچون میل، طبیعت انسان تحت تأثیر لذت و الم است و انسان تحت تأثیر این دو به تعهدات و مسئولیت‌های خودش درباره افزایش خیر و خوشبختی و کاهش شر و بدبختی عمل می‌کند. غایت و مطلوب نهایی انسان چنین است و بر همین اساس هم رفتار می‌کند. در این اندیشه، انسان خود را مسئول بیشترین خیر برای بیشترین افراد می‌داند.



۳-۱. قلمرو و منشأ الزام مسئولیت اخلاقی

فایده‌گرایی، خودخواهی را امری سرشتی و ذاتی نمی‌داند، ولی میل به لذت فردی در انسان را هم انکار نمی‌کند. خودخواهی وجود دارد؛ ولی هیچ ضرورت ذاتی بر آن نیست و انسان توانایی این را دارد که به سطحی بسیار برتر از خودخواهی صعود کند. فایده‌گرایی در هنگام تعارض میان سعادت شخصی با سعادت جمعی و در انتخاب میان «مسئولیت در قبال خود» و «مسئولیت در قبال اجتماع»، بیشتر به سود جمعی اهمیت می‌دهد و به دیگری در قبال خود توصیه می‌کند؛ زیرا سعادت بیشتر نباید بر بیشترین سعادت خالص، یعنی سعادت همهٔ کسانی که درگیر ماجرا هستند، مقدم بشود. معیار در مسئولیت در قبال افزایش شادکامی و لذت، معیاری فردی و شخصی نیست؛ بلکه بیشترین سرجمع شادکامی برای بیشترین افراد معیار است. انسان صرفاً به دلیل آنکه از کمک و تعهد به دیگران لذت می‌برد، مسئولیت‌پذیر نیست؛ بلکه انسان باید خود را مسئول افزایش سرجمع خوشبختی جامعه بداند.

میل تصریح می‌کند که معیار، بیشترین سرجمع شادکامی همه با هم است. انسان شریف به سبب شرافت خود، خوشبخت‌تر از دیگر مردمان است و بدون تردید چنین شخصیتی دیگران را نیز خوشبخت‌تر می‌کند و دنیا به واسطهٔ او بیشتر سود می‌برد. فایده‌گرایی افزایش مجموع خوشبختی‌ها را در پی دارد و اگر لذت‌های کیفی و شرافت شخصیت فرد، عامل خوشبختی خودش نباشد، عامل خوشبختی دیگران و سرجمع خوشبختی جامعه هست؛ چون می‌توان فرض کرد که بسیاری تنها از ارزش افزوده شرافت دیگران مثلاً از فداکاری آنان بهره‌مند می‌شوند (همان: ص ۶۴). برای هر انسانی که با تربیت مناسب بارآمده باشد، این امکان وجود دارد که در درجاتی متفاوت نسبت به خیرهمگانی علاقه‌ای بی‌ریا نشان دهد. وقتی کسی نوعی حس همدلی با منافع عام بشریت را درون خود پرورده باشد، سرشاز از علاقه به زندگی است (همان: ص ۶۹). رفتار درست فقط خوشبختی خود فرد نیست؛ بلکه خوشبختی همه است. فایده‌گرایی فرد را ملزم می‌کند که در جمع میان شادکامی خود و شادکامی دیگران همچون یک ناظر بی‌طرف و نیکوکار منصف باشد (همان: ص ۷۴). محدوده مسئولیت تنها خوشبختی فردی



نظر

نیست؛ بلکه خوشبختی همگانی است. انسان ملزم است که در محاسبه میان خیر و لذت شخصی با دیگران، بی طرفانه و نیکو کارانه و منصفانه عمل کند. اینها شرایط و ویژگی های هستند که در سنجش مسئولیت باید مورد توجه باشند.

در منظر فایده گرایان کلاسیک، یکسری عوامل درونی و بیرونی وجود دارند که سبب می شوند انسان ها خود را ملزم و مسئول به خیر همگانی و افزایش خوشبختی در جامعه بدانند. عوامل و الزامات بیرونی عبارتند از: امید به جلب نظر مساعد یا ترس از ناراحتی هموعان یا خالق که می تواند با احساس محبت نوع دوستانه برای آنان یا عشق و احترام به وی همراه شود. این امور انسان را در این جهت که خواسته او را منهای هرگونه نظر به عواید خود خواهانه اجرا کند، رهنمون می شود (همان: ص ۹۵-۹۶).

ریشه الزام درونی تمامی معیار اخلاقی و حتی فایده باوری، احساسات و وظیفه شناسانه بشریت می تواند باشد. این احساسات درون انسان وجود دارند و حقیقتی درون طبیعت بشری هستند و می توانند پرورش یابند. این احساسات اخلاقی، نه ذاتی و فطری؛ بلکه اکتسابی هستند. انسان این توان را دارد که امور اخلاقی را پرورش دهد و درونی سازی کند و به درجات بالایی از رشد اخلاقی برسد. مبنای احساس طبیعی قدرتمند در انسان وجود دارد؛ به همین دلیل خوش حالی عمومی، معیار اخلاقی شناخته می شود. اموری مانند: احساسات اجتماعی، میل به زندگی در هماهنگی با هموعان، احساس و میلی که نیروی اصیل قدرتمندی در طبیعت بشری است، از جمله مبانی این احساسات طبیعی هستند. ساحت اجتماع برای انسان، طبیعی و ضروری است، و انسان به آنها خو گرفته است؛ به گونه ای که منهای بعضی شرایط نامعمول یا تلاش ارادی جهت انزوا، هرگز هیچ انسانی خود را چیزی متفاوت با عضوی از یک پیکر نمی بیند.

از همین رو بنابر فایده باوری، جامعه ای که تشکیل شده از افراد بشر است و (به استثنای جایی که رابطه ارباب و برده است)، آشکارا محال است که بر مبنایی جز لحاظ کردن منافع و علائق همگانی مبتنی شود. هرچه همکاری انسان ها با یکدیگر بیشتر ادامه یابد، غایتشان با غایت یکدیگر یکی می شود و منافع دیگران را منافع خود می پندارند. این احساسات سبب می شود انسان، خود و دیگران را به جلب منافع دیگران





تشویق کند. همچنین این امر به آموزش و تداوم آن و در مجموع به از میان رفتن برخی نابرابری‌ها منجر می‌گردد و احساس یگانگی با دیگران را برمی‌انگیزاند. شاید احساسات دیگر خواهانه، قدرت کمتری از احساسات خود خواهانه داشته باشند و حتی نزد برخی غایب باشند، ولی دارنده آن یک حس طبیعی دارد و این اعتقاد موجب الزام بنیادین بیشترین خوشی می‌گردد و چنین فردی انگیزه‌های اجتماعی دغدغه دیگران را دارد (همان: ص ۱۰۰-۱۰۵).

فایده‌گرایان به‌ویژه بنام در پاسخ به این پرسش که چه گروه‌هایی، گروه تأثیرپذیر هستند و باید سعادت آنها را به حداکثر رساند، بر این باورند که اصل فایده تنها به اعمال فردی افراد اشاره می‌کند. دولت، جامعه و حکومت فقط اسم جمع‌هایی هستند که بر گروه‌هایی از افراد دلالت دارند. باید خوشی و سعادت را افزایش داد تا جهان بهتر گردد. البته این اعمال باید اختیاری باشند؛ زیرا بنابر مفهوم مسئولیت اخلاقی، شخص اختیار واقعی درباره انجام دادن یا ترک کردن آن عمل را داشته باشد (پالمر، ۱۳۸۸: ص ۱۲۹). افراد، جوامع و دولت‌ها همه باید در پی اعمالی باشند که به افزایش شادکامی و کاهش بدبختی بینجامد جامعه امری جدا و متمایز از فرد نیست؛ بلکه حاصل جمع منافع تک‌تک اعضای تشکیل دهنده است. زمانی که اعمال، به ایجاد لذت بیشتر و رنج کمتر در جامعه تمایل دارند، با اصل فایده قابل تطبیق هستند. این تعریف شامل دولت نیز می‌شود. حکومت باید به دنبال افزایش سعادت و خوشبختی در جامعه باشد. بدین منظور باید مردم را تحسین کند و پاداش دهد یا ملامت و تنبیه کند. این تحسین یا تنبیه بستگی دارد به اینکه اعمالشان تا چه اندازه در جهت افزایش خوشبختی یا ممانعت از آن است. تمایل اعمال هنگامی ارزیابی می‌گردند که نتیجه داشته باشند و در پدید آمدن لذت و الم مؤثر واقع شوند (کاپالدی، ۱۳۸۳: ص ۳۴-۳۶).

۲. ارزیابی دیدگاه فایده‌گرایی در مسئولیت اخلاقی

تفسیر و رویکرد فایده‌گرایانه از مسئولیت اخلاقی، ویژگی‌های مثبت و نیز اشکال‌هایی دارد که در ادامه به ارزیابی آنها خواهیم پرداخت. نخست ویژگی‌های مثبت این نظریه

را در حوزه اخلاق بررسی می‌کنیم. اشکال‌ها را بر مبنای استدلال‌های اخلاقی مبتنی بر عقل و نقل بیان خواهیم کرد تا به ارزیابی جامعی در این زمینه برسیم.

۲-۱. ویژگی‌های مثبت

۲-۱-۱. توجه به نتایج عمل و سازگاری با شیوه مردم در رفتارهای مسئولانه

از این نظر که فایده‌گرایی با دیدگاه رایج مردم درباره مسئولیت اخلاقی سازگاری دارد، می‌توان آن را مزیتی برشمرد. اگر از انسان پرسیده شود که چرا فلان مسئولیتی را انجام دادی یا ترک کردی و چرا فلان فرد مسئول را سزاوار تحسین یا نکوهش می‌دانی؟ پاسخی که عموم مردم می‌دهند، به پیامدها و نتایج مسئولیت اشاره دارد. این شیوه نشان این واقعیت است که شیوه استدلال انسان‌ها در مسئول دانستن یا مسئول ندانستن افراد بر اساس غایت‌گرایی و فایده‌گرایی است.

۲-۱-۲. ارزیابی مبتنی بر نتایج، فارغ از پیچیدگی‌های نیت و انگیزه‌عامل

در ارزیابی عامل، مسئولیت اخلاقی‌ای که بر فایده‌گرایی مبتنی باشد، بسیار ساده‌تر است؛ زیرا به نتایج عمل توجه دارد و خود را از پیچیدگی‌ها درباره عامل و اسناد عمل به عامل فارغ می‌داند. فایده‌گرا به انگیزه‌عامل و اینکه آیا او به انگیزه‌اش رسیده است یا نه، کاری ندارد؛ مهم برای او این است که عمل عامل نتایج مثبت و خیری را داشته باشد؛ فارغ از اینکه شرایط اسناد عمل به عامل چه بوده باشد. این تلقی از مسئولیت اخلاقی اشکال‌هایی هم دارد که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

۲-۱-۳. ارائه قوانین جهان‌شمول مبتنی بر طبیعت انسان

فایده‌گرایی لذت‌گرایانه به سبب اینکه بر طبیعت انسان تأکید دارد و به لذت و الم محوریت می‌دهد، می‌تواند قوانین جهان‌شمولی ارائه دهد که برای همگان دلپذیر باشد. همچنین تفسیر فایده‌گرایانه که میانه خود‌گرایی و دیگر‌گرایی از طبیعت انسان است، نظریه‌ای سازگار با طبع انسان است و الزام‌های مسئولیت را بر طبیعت انسانی مبتنی کرده است و به دنبال هنجارها و قوانین پیچیده و بریده از طبیعت انسان نیست. این نکته البته



می تواند جنبه منفی هم داشته باشد؛ زیرا وابستگی ارزش ها و الزام های اخلاقی به طبیعت متغیر انسانی می تواند به نوعی نسبیّت در گذر زمان و در جوامع مختلف بینجامد. در ادامه این اشکال را بررسی خواهیم کرد.

۴-۱-۲. گستره وسیع مسئولیت و خیرخواهی همگانی

فایده گرایی برخلاف نظریه های پیشین مانند خود گرایی و دیگر گرایی، دچار افراط و تفریط نیست. این نظریه مستلزم آن نیست که از خیر خودمان چشم پوشیم و صرفاً در قبال خودمان یا برای منافع خودمان مسئول باشیم و یا اینکه از همه منافع خودمان چشم پوشیم و اینکه تنها عمل و مسئولیت دیگر گرایانه ارزش اخلاقی داشته باشد؛ بلکه فایده گرایی اقتضا دارد که انسان دامنه مسئولیت و تعلق خاطرش را چنان بگستراند که خیر همه افرادی را که از اعمال وی متأثر می گردند شامل شود و حتی گاه شامل همه موجودات ذی شعور بشود. انسان باید تا جایی که می تواند برای همگان بیشترین افزایش خیر بر شر را ایجاد کند. به باور فایده گرایان باید به گونه ای عمل کنیم که خواسته های مردم را هر چه بیشتر برآورده سازیم؛ بنابراین دایره مسئولیت اخلاقی نزد فایده گرایان گسترده است و این همگان شامل همه اجتماع صرف نظر از تبعیض های جنسیتی، نژادی، مذهبی و ... است.

۴-۱-۵. مسئولیت در قبال آیندگان

از جمله برتری های فایده گرایی بر نظریه های پیشین آن است که فایده گرایی به صراحت گستره مسئولیت اخلاقی را به نسل های آینده نیز سرایت می دهد و با توجه به اصل فایده و معیار بودن بیشترین خیر برای بیشترین افراد، پاسخ و معیار منسجمی برای این امر دارد که انسان چه مسئولیتی در قبال دیگرانی دارد که هنوز وجود ندارند و در آینده خواهند آمد. از نظر فایده گرایی، مهم است که آیندگانی که خواهند آمد، زندگی خوب و دور از رنجی را تجربه کنند. انسان باید با انتخاب های درست و سیاست گذاری های کلان، مسئولیت خودش نسبت به آیندگان و کیفیت زندگی شان را به درستی انجام دهد؛ برای نمونه فایده گرا در برابر این پرسش که چرا در برابر حفظ منابع محدود طبیعی، برای نسل



آینده بشری مسئول هستیم، پاسخ می‌دهد که انسان باید شادمانی عمومی را افزایش دهد؛ زیرا او در قبال بیشترین خیر برای بیشترین افراد مسئولیت دارد. انسان وظیفه دارد که خوشبختی و کیفیت زندگی نسل‌های آینده را حفظ و حتی بالا ببرد. در حوزه محیط زیست باید منابع طبیعی را بیش از نیاز مصرف نکند، خاک‌های سطحی را حفظ کند، حیوانات در آستانه انقراض را حمایت کند، حیات وحش را حفظ کند و به‌طور کلی از تکنولوژی عاقلانه بهره‌بردار (پویمن و فیسر، ۱۳۹۲، ج ۱: ص ۷۵-۱۷۶).

۲-۲. نقدها

۲-۲-۱. تأکید بیش از حد به اصل سود و ترجیح آن بر اصول و معیارهای دیگر

از جمله اشکال‌هایی که به فایده‌گرایی مطرح است، ترجیح یافتن اصل سود و پیامدهای مسئولیت بر اصل عمل و مسئولیت است. فایده‌گرایان به اصل فایده در عمل و مسئولیت‌های اخلاقی بسیار تأکید داشتند، ولی بر این اصل، اشکال‌های بسیاری وارد است؛ از جمله اینکه تأکید بیش از حد بر اصل فایده، موجب نادیده گرفتن فردیت افراد و اشخاص می‌گردد؛ زیرا معیار نزد فایده‌گرایان، اصل سود است؛ هرچند حقوق برخی افراد دیگر نادیده گرفته شود. همچنین وابستگی مسئولیت اخلاقی به پیامدها، به ابهام در عمل می‌انجامد؛ زیرا در بسیاری موارد شناسایی نتایج و محاسبه آنها بر تشخیص خوبی و بدی اصل عمل بستگی دارد. از منظر اسلامی، عقل انسان به‌تنهایی قادر به شناخت همه نتایج و روابط میان اعمال و مسئولیت‌ها نیست. ضرورت وجود دین و پیامبر و راهنما به همین علت است؛ زیرا عقل انسان به‌تنهایی توان شناخت مسئولیت‌های خویش و نیز آگاهی از پیامدهای آنها ندارد؛ بنابراین ابتدای مسئولیت اخلاقی در قبال دیگران، به صرف پیامدهای عمل کافی نیست. افزون بر این، باید ملاک روشنی برای تشخیص نتیجه عمل وجود داشته باشد؛ زیرا نتایج اعمال و مسئولیت‌های انسان، همیشه با اختیار و با واسطه نیستند؛ بلکه نتایج با واسطه هستند که گاه به‌طور عادی بر کار انسان مترتب می‌شوند و گاهی هم به‌طور عادی بر کار انسان مترتب نمی‌شوند. مسئولیت‌داشتن انسان در قبال بسیاری از پیامدهای عمل با اختیار سازگاری ندارد. در این مسئله، در میان





متفکران اسلامی دربارهٔ دامنه اختیار انسان اختلاف هست که آیا فعل تنها شامل کنش‌های درونی یا افعالی قلبی انسان می‌شود یا اینکه افزون بر آنها به افعال جوارحی نیز مربوط می‌شود. به افعال نخست، «مباشره» یا «مبتدئه» و به افعال دسته دوم، «متولده» می‌گویند. همچنین در مورد متولدات، این پرسش وجود دارد که با چند واسطه اثر یک عمل به عنوان نتیجهٔ آن به شمار می‌آید؟ (نک: صادقی، ۱۳۹۷: ص ۶۰-۶۶).

اما بنا بر رویکرد دینی، اخلاقی یا ضد اخلاقی بودن بسیاری از اعمال و مسئولیت‌های انسان وابسته به پیامدها نیستند؛ بلکه ذات عمل و مسئولیت، حسن و قبح دارد. یکی از ادله بعثت انبیا نیز برای بازگویی همین حقایق اخلاقی است. «مردم، امتی یگانه بودند؛ پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت و با آنان کتاب [خود] را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند، داوری کنند...» (بقره: ۲۱۳). براساس مبانی دینی، انسان به تنهایی نمی‌تواند پیامدهای اعمال و مسئولیت‌هایش را بسنجد و برای مثال درک کند که آیا کمک مالی به دیگران خوب است یا نه؛ بلکه نیازمند عقل در کنار امر و نهی‌های شرع است تا راهنمای عمل باشد تا برای نمونه برایش مشخص شود که حد اعتدال در انفاق چیست یا اینکه موارد مصرف خمس و زکات در کجاست. از منظر دینی، چه بسیار مواردی که انسان به گمان پیامدهای بد عملی را دوست ندارد؛ مانند اینکه برایش سخت است که از مال شخصی‌اش به مستحق کمک کند، ولی در واقع به سود اوست و به عکس، قرآن به صراحت می‌فرماید: «بسا چیزی را ناگوار شمارید، درحالی که به حقیقت خیر شما در آن است و بسا چیزی را دوست می‌دارید، ولی در واقع برای شما شر است. خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید» (بقره: ۲۱۶).

۲-۲-۲. بی‌توجهی به نقش نیت و انگیزه عامل در مسئولیت اخلاقی

فایده‌گرایی به‌ویژه تقریر کلاسیک آن بیشتر ناظر به الزام بوده و ویژگی‌های منش و نقش انگیزه فاعل اخلاقی را نادیده می‌گیرند. مسئولیت اخلاقی باید به بیشترین خیر برای دیگران در اجتماع منجر گردد؛ هر چند که فاعل اساساً انگیزه دیگرگرایانه هم

نداشته باشد و یا عمل او به صورت اتفاقی به خیر برای دیگران بینجامد. این نگرش فایده‌گرایانه به مسئولیت اخلاقی این لازمه را دارد که حتی در مواردی که به نوعی در اسناد عمل به عامل تردید باشد و یا عامل مجبور باشد، فایده‌گرایی کارآمد است و شیوه مناسبی برای مسئولیت اخلاقی و ستایش و نکوهش است؛ زیرا مسئولیت را مبتنی بر عامل نکرده و بر اساس عمل و پیامدهای آن به نکوهش یا ستایش اخلاقی می‌پردازد. برخلاف نگرش وظیفه‌گرایانه که به عامل و حتی انگیزه‌های او در ارزیابی مسئولیت‌های اخلاقی می‌پردازد و با موجبیت سازگار نیست.

بر این اساس فایده‌گرایی می‌تواند این را روا دارد که برای عبرت‌گیری دیگران می‌توان تعدادی انسان بی‌گناه را که در عملی مجبور بوده‌اند مجازات کرد. اشکال این است که مجازات کردن افراد بی‌گناه با هدف درس عبرت‌شدن برای دیگران غیرانسانی است. ناقدان رویکرد فایده‌گرایی معتقدند که اگر هدف ما تنها افزایش سطح کلی رفاه باشد، هیچ مانعی نمی‌تواند ما را از ارتکاب چنین رفتارهایی بازدارد؛ چنان‌که ارتش نازی با همین ابزار به توفیق امنیت برای سربازانش رسید؛ آنها مقرر کرده بودند که اگر در منطقه یا روستایی به فردی یا افراد ارتش نازی تعرضی صورت بگیرد، تمامی افراد آن منطقه کشته خواهند شد آنها با تکرار اجرای این قانون ناعادلانه سبب ریشه‌کن شدن هرگونه تعرضی به سربازان گردیدند. در اینجا هرچند وسیله نامشروع و ناعادلانه بود، هدف که همان فایده عمومی بود، حاصل شد و بدین طریق، از نظر آنان هدف وسیله را توجیه می‌کند (برهانی، ۱۳۹۵: ص ۲۵۵-۲۵۸).

در اخلاق اسلامی، حسن فاعلی در کنار حسن فعلی در ارزیابی اعمال و مسئولیت‌ها مد نظر قرار می‌گیرد. اعمال و مسئولیت‌های اخلاقی انسان در قبال دیگران باید آراسته به نیت‌ها و فضایل درونی متناسب گردند. در محاسبات دنیوی و اخروی، افزون بر عمل بیرونی، نیت‌های درونی نیز ارزیابی می‌شوند. در اخلاق قرآنی و در بسیاری از موارد، معیار ارزش‌گذاری‌ها در نیت‌ها و انگیزه‌هاست و عامل اخلاقی در قبال نیت یا انگیزه نیز مسئولیت دارد و مورد بازخواست قرار می‌گیرد. مطابق آیات قرآن کریم، شرط پذیرش بسیاری از اعمال خیرخواهانه، حسن فاعلی و انگیزه تقرب در فعل است و انجام‌دادن





عمل پرهیزگاران با انگیزه الهی مورد پذیرش است (لیل: ۱۸-۲۱).

در نگاه قرآنی، فضایل، ویژگی‌های درونی و منش انسان‌ها در اعمال و مسئولیت‌ها تأثیرگذارند و در بسیاری از آیات، ملاک قبولی اعمال، نیت و انگیزه انجام دادن آنها عنوان شده است و افزون بر حسن فعلی، حسن فاعلی نیز مهم و چه بسا اساس عمل قرار گرفته است. در سوره بقره تأکید شده است که معیار ارزش گذاری نزد خداوند، نیت قلبی انجام دادن افعال است، نه صرف حُسن فعلی. نزد خداوند متعال، منویات و مکونات قلبی افراد به حساب خواهند آمد (بقره: ۲۲۵ و ۲۸۴). بر اساس آیات قرآن از رفتارها و مسئولیت‌های دیگرگرایانه و خیرخواهانه، اگر اعمالی مانند انفاق به دیگران با نیت خودخواهانه و برای خودنمایی باشد، بی حاصل و بی پاداش است (همان: ۲۷۲)، ولی چنانچه با نیت نیکو و برای رضای الهی باشد، این انفاق متعلق پاداش الهی خواهد بود (همان: ۲۶۵).

هرچند رویکرد فایده‌گرایی در قرائت‌های جدید با ترکیب نظریه‌های دیگر کوشیده است به برخی نقدها پاسخ دهد و رویکردهایی مانند فایده‌گرایی و ویژگی‌نگر به نقش منش و ویژگی‌های شخصیت توجه کرده‌اند، این نظریه‌ها همچنان رویکردی غایت‌گرایانه دارند و اصل فایده را معیار اساسی می‌گیرند و انگیزه‌ها و منش‌هایی را خوب می‌دانند که مطابق اصل فایده باشند. به هر حال این اشکال در فایده‌گرایی به‌ویژه در تقریر سنتی و کلاسیک آن وجود دارد که نقش نیت و انگیزه را نادیده می‌گیرد و صرفاً در پی پیامدهای مسئولیت یا عمل هستند و توجهی به نیت و انگیزه عامل یا حسن فاعلی ندارند.

۲-۲-۳. معیار بودن لذت دنیایی در خاستگاه مسئولیت اخلاقی

یکی از اشکال‌های فایده‌گرایی کلاسیک، تأکید بر لذت‌ها و آلام دنیایی و نادیده گرفتن لذت‌ها و آلام ناظر به آخرت است، ولی در نگاه اسلامی، لذت‌های دنیایی در قبال لذت‌های آخرتی هم به لحاظ معیارهای کمی و کیفی ترجیح دارند. لذت و الم آخرتی پایدارتر و طولانی‌تر از لذت و الم دنیایی است: «و الآخرة خیر و ابقى» (اعلی: ۱۷).

در نگاه دینی، انسان گاه باید برای دستیابی به لذت آخرتی، از لذت‌های دنیایی دست بردارد و دردهای دنیایی را به جان بخرد.

در این منظر، مطلوب اصیل انسان همان کمال حقیقی است که ارزش ذاتی دارد و مطلوب بودن اشیای دیگر، مطلوب بودن فرعی است. لذت حقیقی، همان حصول کمال حقیقی است و دیگر لذت‌ها جنبه مقدمه‌ای دارند. متعلق لذت انسان، یا وجود خویش و یا کمال خویش است و یا موجوداتی که نیازمند به آنها هستند و به نحوی با آنها ارتباط وجودی دارند. انسان اگر بتواند وجود خود را به موجودی وابسته ببیند که همه ارتباطات و تعلقات به او می‌انجامد و ارتباط با او انسان را از وابستگی‌های دیگر بی‌نیاز می‌سازد، در این صورت به عالی‌ترین لذت‌ها نائل می‌گردد. مطلوب حقیقی انسان که عالی‌ترین لذت‌ها را از او می‌برد، موجودی است که هستی انسان قائم به اوست و انسان عین ربط و تعلق به اوست. هرانسانی اگر ارزش‌های اخلاقی را رعایت کند، افزون بر بهره‌مندی از لذت‌های مادی، لذت‌های دیگری نیز می‌یابد که قابل مقایسه با دیگر لذت‌ها نیست. این لذت هم ابدی، هم عرفانی و هم معنوی است (نه حسی و خیالی). لذت ارزش‌آفرین و اصیل همان رابطه‌ای است که انسان در آن با محبوب خویش و محبوب هستی ارتباط می‌یابد: «یحبههم و یحبونه...»: همچنین این لذت با کمال انسانی متلازم است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ص ۱۵۸-۱۶۴).

در منظر دنیاگرایانه، انسان تنها باید منافع دنیوی را در ظرف دنیا به دست بیاورد؛ از این رو اگر تعارض منافع میان نفع فردی و نفع دیگری پیش آید، انسان به جلب منافع شخصی تمایل دارد؛ زیرا ظرف پاداش‌دهی تنها دنیا است و از همین رو هرچند فایده‌گرایی به خیر جمعی الزام داشته باشد، انگیزه‌ای برای شهادت، ایثارگری و بی‌توجهی به مسئولیت شخص در قبال خودش و به نفع دیگران وجود ندارد، ولی با توجه به آموزه‌های دینی در فرهنگ اخلاق دینی، قابل فرض است که انسان از سود، رفاه و حتی حیات خودش به نفع ارزش‌های اخلاقی و آرمان‌های الهیاتی بگذرد؛ زیرا امکان رفتارهای خیرخواهانه را دارد. نگاه آخرت‌اندیش سبب می‌گردد انسان حتی اگر در دنیا کامیاب نشود، در آخرت به سودهای پایدارتری دست یابد.





خداوند متعال این وعده را در قرآن داده است که عمل هیچ عاملی را بی‌اجر نمی‌گذارد و تباه نمی‌کند و حتی بدی‌های آنان را از میان می‌برد و به بهشت وارد می‌کند (آل عمران: ۱۹۵). همچنین در بسیاری از آیات تأکید شده است که خداوند پاداش و عوض دنیایی و آخرتی را هم نادیده نمی‌گیرد و عوض بسیاری از مسئولیت‌های ناظر به دیگران مانند انفاق، صدقه، زکات و قرض را نیز به فرد بازمی‌گرداند: «هر که قرض نیکو دهد، خداوند آن را برایش چندین برابر اضافه می‌کند» (بقره: ۲۴۵)؛ «و کسانی که اموالشان را در راه خدا می‌بخشند، همچون دانه‌ای هستند که خوشه‌ای بر دهد و هفتصد برابر شود» (همان: ۲۶۱)؛ «[خداوند] ربا را نابود و صدقات را فزونی می‌بخشد» (همان: ۲۷۶)؛ «و آنچه از ربا به نیت افزایش سود از اموال مردم پرداخت می‌شود، نزد خدا افزایشی ندارد؛ بلکه فزونی حقیقی از آن زکاتی است که از سر خشودی حق پرداخت می‌شود» (روم: ۳۹)؛ «و برای مردان و زنان صدقه‌دهنده افزایش دو چندان و اجری نیکو خواهد بود» (حدید: ۱۸).

همچنین وعده الهی به لذت‌های پایدار اخروی مانند بهشت، نعمت‌ها، لذت‌ها و رضایت الهی تعلق گرفته است و خداوند آن را برای کسانی مقرر کرده است که تقوای الهی پیشه کنند و به خاطر لذت‌های آخرتی از برخی لذت‌های دنیایی بگذرند (نک: آل عمران: ۱۵).

۴-۲-۲. استفاده ابزاری از دیگران

فایده‌گرایان به واسطه اینکه بر اصل فایده و به حداکثر رساندن بیشترین خوشی برای بیشترین افراد تأکید دارند، بسیاری از ارزش‌ها و مسئولیت‌های اخلاقی ناظر به دیگران را صرفاً در این مسیر توجیه می‌کنند و نگاه ابزاری به دیگران دارند. آنها بر اساس اصل «هدف وسیله را توجیه می‌کند» معتقدند که انسان می‌تواند برای حقوق و رفاه جمعی، حقوق و رفاه یک فرد یا یک ارزش اخلاقی را نادیده بگیرد. هدف فایده‌گرا ایجاد بیشترین شادکامی برای بیشترین افراد است. او به مفاهیم و قوانین اخلاقی نگاهی ابزاری دارد و حاضر است به خاطر این هدف از بدیهی‌ترین قوانین اخلاقی نیز بگذرد؛ برای

مثال اگر در موردی خاص، ظلم یا شهادت دروغ دادن علیه یک فرد به صلح و خیر اجتماعی منجر می‌گردد، فایده‌گرایان به‌واسطه محاسبه‌سنجی افزایش خیر بر شر، به پذیرش ظلم و نقض اصل اخلاقی عدالت درباره فرد خاص معتقد می‌شوند؛ بنابراین مسئولیت اخلاقی به نادیده گرفتن ارزش عدالت و حق شخصی یک فرد می‌انجامد؛ زیرا فایده‌گرا در پی بیشترین فایده برای بیشترین افراد است.

لازمه چنین دیدگاهی، انکار و نقض مفاهیم، ارزش‌ها و قواعد اخلاقی مانند عدالت، صداقت، آزادی، حقوق شخصی، حق حیات و ... است و انسان فایده‌گرا به این اهداف و آرمان‌های اخلاقی تنها به‌عنوان ابزاری برای افزایش لذت و کاهش الم می‌نگرد. از منظر اخلاق اسلامی، نقض اصول اخلاقی به خاطر اهداف منفعت‌گرایانه و این اصل که «هدف وسیله را توجیه می‌کند»، پذیرفتنی نیست. در اخلاق اسلامی، برخی اصول و قواعد مطلق قابل نقض نیستند و حسن و قبح ذاتی دارند؛ اصولی مانند عدالت، کرامت نفس، حق حیات، امانت‌داری و غیره از جمله قواعدی هستند که قابل نقض نیستند و فارغ از محاسبه‌گری و نتایج باید اجرا گردند. در آیات قرآن کریم، وفاداری به هر پیمانی و تعهدی از مؤمنان خواسته شده است. از ویژگی‌های اخلاقی مؤمنان این است که امانت‌های یکدیگر را پاس می‌دارند و به پیمان خود وفادارند (مؤمنون: ۸).

امیر مؤمنان علیه السلام در نامه تاریخی به مالک اشتر، درباره شیوه حکومت‌داری فرمان می‌دهد که حتی اگر به دشمن خود هم وعده‌ای داده‌ای، باید به پیمان خود وفا کنی. در این منظر، نگاه ابزارگرایانه به مفاهیم اخلاقی، حتی در برابر دشمنان نیز مردود شمرده شده است.

اگر میان خود و دشمن قراردادی بستنی، یا از جانب خود به او لباس امان پوشاندی، به قراردادت وفا کن و امان‌دانت را به امانت رعایت نما و خود را سپر تعهدات خود قرار ده... (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

البته فایده‌گرایان مدرن به‌ویژه فایده‌گرایان قاعده‌نگر، به این راحتی چنین اشکالی را نمی‌پذیرد و در پاسخ به اینکه اصل فایده، به نادیده گرفتن ارزش‌ها و مفاهیم منجر می‌گردد، پاسخ می‌دهند که شیوه محاسبه فایده‌گرایی کلان‌تر است؛ یعنی فایده‌گرا در





محاسبه میان ارزشی که نفع حداقلی دارد با ارزشی که سود حداکثری دارد، نفع حداکثری را برمی‌گزیند، هرچند مستلزم نادیده گرفتن یک‌سری حقوق و ارزش‌های حداقلی گردد. فایده‌گرایی قاعده‌نگر برخلاف فایده‌گرایی عمل‌نگر با تأکید بر اصول و قواعدی اخلاقی کمک می‌کند تا ارزش‌های خاصی نادیده گرفته شوند.

۵-۲-۲. بی‌طرفی در قبال دیگری و نفی مسئولیت ویژه

بی‌طرفی از جمله ویژگی‌های فایده‌گرایان در مسئولیت اخلاقی در قبال دیگران است. فایده‌گرایان برخلاف مکتب‌هایی مانند فضیلت‌گرایی که بر مسئولیت‌های ویژه نسبت به برخی افراد تأکید دارند، می‌گویند انسان مسئولیت ویژه‌ای در قبال دیگری ندارد، بلکه معیار بیشترین افراد است. این ویژگی بی‌طرفی شاید در نگاه کلان اخلاق اجتماعی، امری پسندیده و مثبت باشد، ولی در اخلاق میان‌فردی به‌ویژه در اخلاق خانوادگی ویژگی مثبتی نیست. ویژگی بی‌طرفی، مسئله استحقاق و سزاواری در مسئولیت را نادیده گرفته و همه انسان‌ها را با معیاری کلی می‌سنجند.

از منظر اخلاق اسلامی، بی‌طرفی ویژگی مثبت و مطلق نیست؛ به‌ویژه در اخلاق میان‌فردی همچون اخلاق خانوادگی یا مواردی که حقی برعهده دیگری است یا استحقاق و ویژگی خاصی در میان باشد. ویژگی بی‌طرفی، مسئله استحقاق و سزاواری در مسئولیت را نادیده گرفته و همه انسان‌ها را با معیاری کلی می‌سنجند. بر اساس اخلاق اسلامی، شدت مسئولیتی که انسان در قبال اطرافیان، خانواده، همسایه، هم‌کیش و ... دارد، نسبت به دیگرانی که تعلق خاطری به آنها ندارد بیشتر است. مسئولیت انسان در قبال نیازمندی که با او ارتباط نسبی و سببی دارد، از نیازمند بیگانه بیشتر است. بر اساس توصیه اخلاقی قرآن کریم، احسان و نیکوکاری نظام رتبه‌ای و اولویت‌بندی دارد (برای نمونه نک: بقره: ۸۳ و نساء: ۳۶). در طبقاتی که امر به احسان شده است، طبقه‌بندی و ترتیب رعایت شده است. نخستین طبقه‌ای که احسان به او از همه طبقات دیگر مهم‌تر است و نسبت به دیگران استحقاق بیشتری برای احسان دارند، پدر و مادر است؛ زیرا ریشه اصلی فرد هستند. پس از آنها نیز دیگر خویشاوندانی که به انسان نزدیک‌ترند. پس از

خویشاوندان، در میانه اقربا، یتیم مقدم است؛ چون ایتام به سبب خردسالی و نداشتن سرپرست، استحقاق بیشتری برای احسان دارند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج: ۱، ص: ۲۱۹).

رویکرد رتبه‌ای و اولویت‌بندی در مسئولیت اخلاقی، افزون بر اینکه مسئله استحقاق دیگران را نادیده نمی‌گیرد، با انگیزه‌های درونی انسان‌ها سازگارتر است. شیوع این مسئولیت به گسترش مسئولیت منجر می‌گردد؛ زیرا اگر هر فردی به مسئولیت‌هایش در قبال اطرافیان عمل کند، در نگاه کلان مسئولیت گسترده حاصل می‌گردد. از طرفی هم انسان به سبب علقه‌های که با دیگران داشته، وظیفه‌اش را در قبال دیگران انجام داده است. انسان نمی‌تواند و نباید به اطرافیان همانند پدر و مادر یا فرزند و همسر بی‌طرفانه و فارغ از روابط دوستی، دلبستگی و عشق بنگرد.

بنابراین ویژگی بی‌طرفی شاید در نگاه‌های کلان اجتماعی و حاکمیتی، ویژگی مثبتی باشد؛ همان‌گونه که برخی فیلسوفان مانند راولز در بحث عدالت بر آن تأکید دارند، ولی در نگاه اخلاق میان‌فردی، به‌ویژه در مواردی که دیگران به لحاظ محرومیت یا نیازمندی در یک رتبه باشند، رویکرد مثبتی نیست؛ زیرا بی‌توجهی به افرادی که نسبت به انسان حق ویژه‌ای دارند، مانند پدر و مادر و خویشاوندان و یکسان‌داشتن آنها با بیگانگان، بی‌توجهی به استحقاق، شایستگی و حقوق ویژه آشنایان است. همچنین طبیعت انسانی نمی‌پذیرد که در موقعیتی مشابه میان فرزندمان و فرد غریبه‌ای، مسئولیت در قبال فرد غریبه را بر مسئولیت فرزندنی ترجیح دهد. بسیاری از حقوق خاص انسان در قبال والدین، فرزندان و همسران تنها در چارچوب مسئولیت‌ها و الزام‌های اخلاقی درک می‌شوند و اگر بخواهیم نگاهی بی‌طرفانه به آنها داشته باشیم این مفاهیم قابل فهم نیستند. در این موارد، انسان افزون بر مسئولیت عام انسانی، مسئولیت خاصی به آنها دارد که نباید نادیده گرفته شود.

نتیجه‌گیری

مکتب فایده‌گرایی در اخلاق، انسان را مسئول پیشینه‌سازی خیر می‌داند و در پی بیشترین خیر برای بیشترین افراد است. این تعلق خاطر فایده‌گرایان به گسترش خیررسانی و گذر





انسان از خودگرایی به همه‌گرایی منجر می‌شود. این نکته از سویی مزیتی برای فایده‌گرایی است و مسئولیت همگانی را ترویج می‌کند و نیز با شیوه عموم مردم سازگاری دارد؛ زیرا عموم مردم بر اساس طبیعت خودشان به شادکامی توجه دارند و در ارزیابی‌ها به نتایج اعمال توجه دارند؛ ولی آن را به‌ویژه در ارزیابی‌های اخلاقی به مشکلاتی دچار می‌کند، به‌ویژه اینکه فایده‌گرایی کلاسیک به انگیزه‌های عمل توجه ندارد و صرفاً به پیامدهای عمل توجه می‌دهد.

خاستگاه مسئولیت اخلاقی نزد فایده‌گرایان کلاسیک بر طبیعت انسان مبتنی است؛ یعنی لذت و الم دو قوه طبیعی در انسان هستند که رفتارها و مسئولیت‌های او را شکل می‌دهند و منشأ مسئولیت‌های اخلاقی انسان هستند. چه بسا همین طبیعت‌گرایی سبب نوعی توجه به طبیعت‌های انسانی و قوانین جهان‌شمول گردد، ولی به هر حال معضل نسیبت را برای فایده‌گرایی در پی خواهد داشت؛ زیرا طبیعت‌های انسانی در زمان و مکان‌های مختلف متفاوت می‌گردند.

یکی از نقاط مثبت فایده‌گرایی، لحاظ کردن منافع آیندگان در اعمال اخلاقی است، ولی مسئولیت در قبال تعهدات پیشین شاید نقطه مبهمی در فایده‌گرایی باشد. همچنین استفاده ابزاری فایده‌گرایان از برخی ارزش‌های اخلاقی که آنها را فقط با توجه به نتایجشان و نه ارزش‌ها و تعهداتشان عمل می‌کنند، معضلی جدی است.

فایده‌گرایی در کنار ویژگی‌های مثبتی مانند توسعه مسئولیت، آینده‌نگری و غیره نیز دارد، ولی به نظر می‌رسد برخی اشکال‌ها مانند تأکید بیش از حد به اصل فایده و لذت‌گرایی و نیز بی‌توجهی به نقش انگیزه و حسن فاعلی به این نظریه وارد است. فایده‌گرایان می‌توانند ادعا کنند که برخی از این نکته‌ها را در اصل نظریه ملاحظه کرده‌اند؛ هر چند ملاحظه این موارد می‌تواند ترکیبی از نظریه‌های اخلاقی دیگر باشد و در عمل فایده‌گرایی تقریری نو بیابد. بر همین اساس، برخی فیلسوفان از نظریه‌هایی مانند وظیفه‌گروی مرکب یا فایده‌گرایی انگیزه‌نگر و... سخن گفته‌اند.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. اتکینسون، آر.اف (۱۳۹۱)، درآمدی به فلسفه اخلاق، ترجمه: سهراب علوی‌نیا، تهران: هرمس.
۴. ادواردز، پل و بورچرت، دونالد، ام. (۱۳۹۲)، دانشنامه فلسفه اخلاق، ترجمه و تدوین: انشاءالله رحمتی، تهران: سوفیا.
۵. اس.ئی. فراست (۱۳۸۹)، آموزه‌های اساسی فیلسوفان بزرگ، ترجمه: غلامحسین توکلی، تهران: حکمت.
۶. اسمایلی، ماریون و اندرو اشلمن (۱۳۹۴)، مسئولیت جمعی و اخلاقی (دانشنامه فلسفه استنفورد)، ترجمه: مریم خدادادی، تهران: ققنوس.
۷. برهانی، محسن (۱۳۹۵)، اخلاق و حقوق کیفری، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. پالمر، مایکل (۱۳۸۸)، مسائل اخلاقی، ترجمه: علیرضا آل بویه، تهران و قم: انتشارات سمت و پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. پویمن، لویی و جیمز فیسر (۱۳۹۲)، اخلاق: شناسایی درستی و نادرستی، ترجمه: شهرام ارشدنژاد، بی‌جا، نشر زمانه.
۱۰. پیک حرفه، شیرزاد (۱۳۹۴)، خاستگاه نخستین تاریخچه واکاوی و نقد گونه‌های کلاسیک و مدرن فایده‌گرایی در فلسفه اخلاق انگلوساکسن و انگلوامریکن، تهران: نگاه معاصر.
۱۱. درایور، جولیا (۱۳۹۴)، پیامدگرایی، ترجمه: شیرزادپیک حرفه، تهران: حکمت.
۱۲. ریچلز، جیمز (۱۳۹۲)، عناصر فلسفه اخلاق، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. زاگال، هکتور و خوزه گالیندو (۱۳۸۶)، داوری اخلاقی: فلسفه اخلاق چیست، ترجمه: احمدعلی حیدری، تهران: حکمت.
۱۴. صادقی، هادی (۱۳۹۷)، فلسفه اخلاق در دایره عقل و دین، فرانظریه یکپارچگی، قم: کتاب طه.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.



۱۶. فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۸۹)، فلسفه اخلاق، ترجمه: هادی صادقی، قم: کتاب طه.
۱۷. کاپالدی، نیکولاس (۱۳۸۳)، بنام، میل و فایده‌گرایی، ترجمه: محمد بقایی، تهران: اقبال.
۱۸. کاپلستون، فردریک (۱۳۸۸)، تاریخ فلسفه، ترجمه: جلال‌الدین مجتبوی، ج ۸، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش.
۱۹. مردیها، مرتضی (۱۳۸۸)، در مقدمه کتاب فایده‌گرایی، تهران: نشر نی.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش: احمدحسین شریفی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۱. موحدی، محمدجواد (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی»، پژوهش‌های فلسفی، ش ۲۱۶، دوره ۵۳، ص ۱۵۵-۱۷۹.
۲۲. میل، جان استیوارت (۱۳۸۸)، فایده‌گرایی، تهران: نشر نی.
۲۳. هولمز، رابرت. ال (۱۳۸۵)، مبانی فلسفه اخلاق، ترجمه: مسعود علیا، تهران: ققنوس.
24. <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/responsibility>.

